

کافه خاطره صبا؛ گفت‌وگو با شهرزاد عبدالمجید بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون

شیطنت‌های برخی باعث شد از سینما دور شوم

احمد محمد اسماعیلی
گزارش

در ابتدای دهه هفتاد سینما و تلویزیون با بحران کمبود بازیگر رو به رو شد و آمین تارخ با تأسیس آموزشگاهش به سمت معرفی بازیگران جوان رفت و در کنارش با ساخت مجموعه‌هایی نظیر «در پناه تو» تعدادی زیادی بازیگر به جامعه هنری معرفی شدند. یکی از این بازیگران شهرزاد عبدالمجید بود که قبل ترش در تئاتر فنون بازیگری را آموخته بود.

او در سالهای بعد با درخشش در سینما و تلویزیون فرصت همکاری با بزرگان را به دست آورد. همکاری با کیمیایی در دوران اوجش در فیلم ضیافت در نقش فرنگیس در قالب آدمی با مختصات خاکستری چند وجهی و شاپور قریب و علیرضا افخمی باعث شد عبدالمجید دوران موفق را تجربه کند. با این بازیگر مروری به دوران کاری‌اش داریم.

بازی در این نمایش معرفی کرد.

اجرا و بازی در تئاترهای لاله‌زاری با توجه به واکنش‌های تماشاگران کار دشوار و چالش برانگیزی است...

همینطور است. یک بار تماشاگری بعد از خاتمه نمایش پرید روی صحنه و بازیگران آمدند جلوی من ایستادند و این دوست تماشاگر برای من هدیه‌ای آورده بود و آنجا به من داد.

هدیه چه بود؟

یک بسته پول که کادو پیچ شده بود. من پول را دادم به کیومرث ملک‌مطیعی و ایشان برای همه یک جلد حافظ خرید.

آیا این هدیه دادن به شما حسادت سایر بازیگران خانم نمایش را برانگیخته نکرد؟

من تنها بازیگر زن نمایش بودم.

شیوه کارگردانهای لاله‌زاری خیلی با شیوه کارگردان‌های سایر مراکز نمایشی تفاوت داشت و بداهه در آن حرف اول را می‌زد؟

بداهه خیلی مهم بود. البته کار واقعاً سختی بود. بداهه کاری روی صحنه با تماشاگرانی که در لحظه واکنش نشان می‌دادند واقعاً دشوار بود. کلی دست و سوت حین اجرا از سوی تماشاگران ابراز می‌شد و خیلی سریع با فضای نمایش همذات‌پنداری می‌کردند.

با توجه به این مسائل در سن ۱۸ سالگی اعتماد به نفس زیادی داشتید که روی صحنه تئاتر لاله‌زار بازی می‌کردید؟

روز اول اجرا ملک‌مطیعی می‌گفت نگذارید شهرزاد تماشاگران را قبل از رفتن روی صحنه ببینند. اما من از سوراخی تماشاگران را دیدم که علاوه بر ظرفیت سالن تعدادی هم ایستاده نمایش را می‌دیدند. کارگردان این نمایش مجید جعفری بود. بعد از این اجرا یک نمایش دیگر هم در لاله‌زار بازی کردم که سیاه بازی بود و

موقعی در تئاتر فعالیت کردید که شروع دوران درخشان تئاتر در دهه هفتاد بود. به تئاتر چگونه علاقه‌مند شدید؟

هم تئاتر و هم سینما جذابیت‌های خاص خودشان را دارند. تئاتر را به این دلیل انتخاب کردم که برایم دنیای پر از رمز و راز و زیبا بود. تئاتر دیدن را با مادرم شروع کردم.

مادر تان اهل تئاتر دیدن به صورت حرفه‌ای بود؟

خانواده‌ام علاقه‌مند هنر در عرصه‌های مختلفش هستند. اولین تئاتری که رفتیم در آن یکی از همکاران اداره‌ای که مادرم در آن کار می‌کرد به عنوان بازیگر حضور داشت.

الآن بازیگر شناخته شده‌ای است؟

عباس محبوب بود و در کنارش محمود اوین، کیومرث ملک‌مطیعی و محمد شیرینی هم در این نمایش بازی داشتند.

در چه سنی این نمایش را دیدید؟

دبیرستان تحصیل می‌کردم و سن و سالم کم بود و چون اشتیاق من را به تئاتر دیدند. عباس محبوب به من گفت «آیا دوست داری تئاتر بازی کنی؟» مادرم مخالفت کرد و گفت اول دیپلمش را بگیرد و بعد اگر خواست بیاید تئاتر بازی کند.

در دوران دبیرستان تئاتر بازی نمی‌کردید؟

کار می‌کردم اما به صورت آماتوری بود و یادم می‌آید در نمایش «خاله سوسکه» بازی کردم.

کتابخوان هم بودید؟

کتابخوان هم بودم.

به چه کتابی بیشتر علاقه داشتید؟

خواندن مجموعه کتاب‌های ماجراهای تن جزو علائقم بود.

کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را هم می‌خواندید؟

بله، مدام به کانون رفت و آمد داشتم و مادرم همیشه من را به کانون می‌برد.

به نظر می‌رسد مادر تان در تکوین هنری شما نقش مهمی دارد...

همینطور است. با حمایت‌های او توانستم در عرصه هنری فعالیت کنم. دانی (مسعود مهبجور) هم در زمینه مدیر تولیدی و تهیه‌کنندگی فعالیت می‌کرد. بعد از گرفتن دیپلم در رشته تجربی مادرم موافقت کرد که به بازیگری بپردازم و در نمایش «دختر چوپان» بازی کردم.

نمایشی که در لاله

زار روی صحنه

رفت...

بله، کیومرث

ملک‌مطیعی

من را برای

سعدی افشار هم در آن بازی داشت. خب بداهه کار کردن جلوی سعدی افشار که استاد این بازی است برایم خیلی جذاب و دلچسب بود. سعدی افشار مرد نازنین و خوبی بود.

آیا دستمزد هم گرفتید؟

بله، دستمزد قابل توجهی هم بود.

در این نمایش چه نقشی را ایفا کردید؟

نقش زن حاجی که در این نمایش هامتداول بود.

با توجه به سبقه فرهنگی مادر تان آیا مخالفتی با بازی شما در تئاترهای لاله‌زار نداشت؟

به هر حال دوستان ایشان مثل آقای اوین در تئاتر نصر حضور داشتند و کیومرث ملک‌مطیعی هم متعهد شده بود هر روز من را به تئاتر بیاورد و شبها نیز به خانه بازگرداند. با این اعتماد بود که مادرم رضایت داد تا بازیگری را ادامه بدهم.

آیا در آن دوران در کوچه و خیابان شما را می‌شناختند؟

بله، در خود محوطه لاله‌زار سرشناس شده بودم (با خنده) بعد از این حضورها بود که برای بازی در نمایش «تراژدی اسفندیار»، توسط حسین فرخی از من دعوت شد. کاری فاخر و بزرگ که در تالار وحدت روی صحنه رفت و مورد استقبال مردم هم قرار گرفت.

در آن دوران مجید جعفری که با شما در لاله‌زار همکاری داشت مدیر تئاتر شهر شد و کارهای بزرگی مثل «آن شب که توروز ندانی بود» را روی صحنه برد. به چه دلیل در این نمایش‌های شان بازی نکردید؟

نمی‌دانم دلیل عدم دعوت ایشان از من چه بود. بعد از بازی در «تراژدی اسفندیار» برای بازی در سریال «هتل»، دعوت شدم که تهیه‌کننده‌اش گروه اقتصاد شبکه اول سیما بود.

محمد شیرینی شما را برای بازی در سریال «هتل» معرفی کرد؟

نه، عباس محبوب من را معرفی کرد.

شما در دهه هفتاد این فرصت را پیدا کردید تا در یکی از بهترین فیلم‌های مسعود کیمیایی یعنی «ضیافت» بازی کنید. این همکاری چگونه شکل گرفت؟

دوستانی بودند که در پشت صحنه شیطنت می‌کردند و ایضا دوست تهیه‌کننده‌ای که باعث شدند پیشنهادات بازی من به سمت دیگران برود و من چون این شرایط را دیدم بیشتر به طرف سریال‌های تلویزیونی رفتم و این روند من را از سینما دور و دورتر کرد.

